

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد ۵۰م

شماره های ۱۳۱ - ۲۶۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
باصفلی
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

تهران ۱۳۷۲

اسم الله الوصو الوصو

www.Kuqub.com

يا اسد الغالب



روزنامه اخبار و گزارشات

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد دوم

شماره های ۱۳۱ - ۲۶۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
با همکاری
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

تهران
۱۳۷۳

www.KetabFarsi.com

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه

تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات

رسانه (تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان

بنیاد فجر، طبقه سوم، کدپستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس:

(۶۴۶۹۸۵۶)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

چاپخانه و لیتوگرافی: ندا

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳

قیمت: ۱۰۰۰ ریال

باسمه تعالی

به روزنامه ایام در همه پیداست
اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
(عنصری)

پیشگفتار

واژه «روزنامه» همزمان با نفوذ اسلام در ایران به کار می‌رفته است و در متون کهنی چون بشیمة الدهر ثعالبی و معجم الادباء کلمه روزنامه و روزنامهچه (روزنامهچه) دیده می‌شود، ولی باید دانست که روزنامه در آن دوران حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزراء و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده است.

این واژه تا اوائل دوره قاجار نیز به همین مفهوم به کار می‌رفته است، چنانکه مجموعه‌هایی از این روزنامه‌ها در زبان فارسی موجود است و آخرین مجموعه مستقل از این نوع که سراغ داریم روزنامه میرزا محمد کلانتر شیراز در شرح وقایع زندیه و روزنامه خاطرات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است.

در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد و به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد.

روزنامه انتشار خیرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود را سریعتر از کتاب به عهده داشته است و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال مواجه شد، و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری هوادارانی پیدا کردند. امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای با کتاب و اسناد دولتی یکی از منابع تحقیقی

محسوب می‌شوند. از آنجا که دوره کامل آن کمیاب شده بود از این رو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صدد احیاء روزنامه‌های قدیمی برآمده است.

ویژگی مجموعه حاضر در مرحله اول، ضمن کامل بودن یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونه‌ای از خدمات میرزا تقی خان امیر نظام است و دیگر سبک نویسندگی ساده و روان و از نظر وقوف بر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی اخبار آن از نقایس عهد ناصری است. مورخین و پژوهشگران خود نیک می‌دانند که اگر پژوهش یا تحقیقی بدون مراجعه به همه منابع و اسناد و مدارک صورت پذیرد تا چه حد ناقص و نارساست. به منظور رفع این مشکل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره) به جامعه اسلامیان تقدیم می‌دارد.

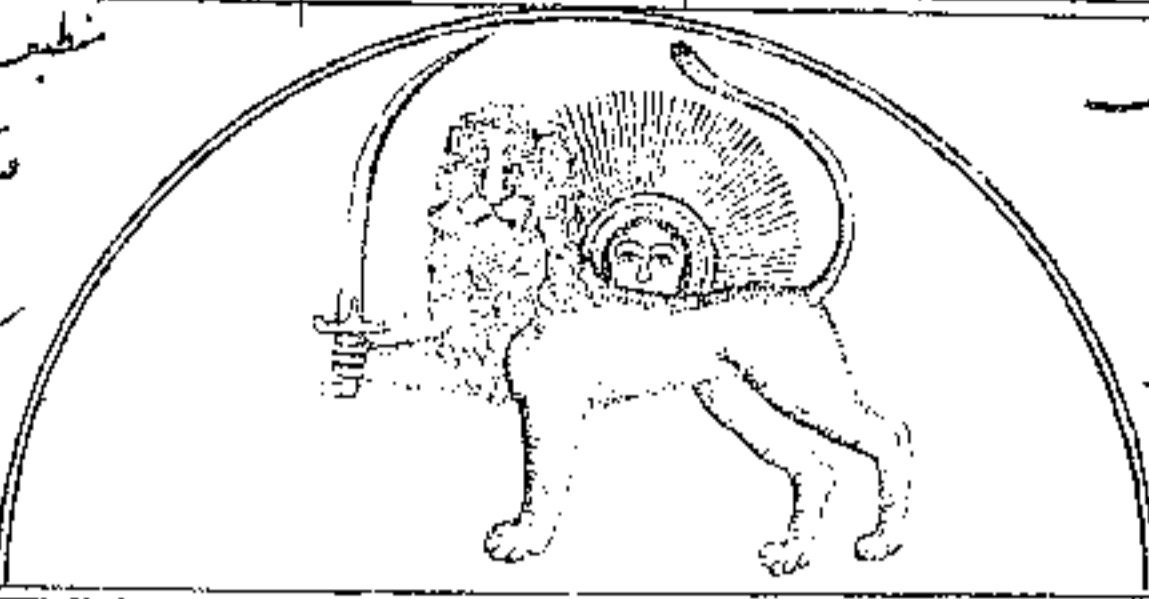
در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خرمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان: جناب آقای دکتر نوائی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجیبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت ... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

روزنامه قلیع اتقا فیستایخ یوم شنبه بیست و هشتم ماه شوال المکرّم بنو الودیل

نمره صدوسی و یک
قیمت روزنامه
یک ششماهی
و نایب ساری



منطبع دار اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر
شش سطر
بسیار با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

موجب فیس روزی کوکب اعلیحضرت پادشاهی
روز سه شنبه بیست و هشتم ایماه اشهبان ولایران
که چند روز بود توقف فرموده بودند حرکت فرمودند

تشریف فرما گردیدند

درین اوقات که نواب مستطاب هزاره و الا
موتبه الدوله طاسب میرزا بجهت انی مملکت فارس ناموز
گردید بجهت مزید ظهور رحمت ملوکانه یک قطعه نشان
از مرتبه جلیل میرنجه کی با یک سب جامیل که مخصوص
است از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت قوی
پادشاهی بنواب معزی الیه رحمت گردید
نظر بطور رحمت حسروانی در باره نواب مستطاب

و الا بتبار احتشام الدوله خان میرزا حکمران برود و
عربستان و لرستان و بختیاری درین روزنامه
یک نوبت کلید از بطوس خاص تن مبارک معزز و بعد
فرمان مهربان پادشاهی مباحی گردید
مقرب انخافان اسدالخان امیر خورساق که

همه ان حسب الامر جایون امور گردیده بود بجهت ظهور
مزید توجه ملوکانه در باره او حکومت طایر و تالیس کان
نیساجا و ده حکومت همه ان بعهده کنایت مقرب انخافان
مفوض و اورا بلقب جلیل معتمد الملکی سرانوز فرمودند

عالیجاهان میرزا ابراهیم و میرزا ابوالقاسم مستوفی
حسب الامر قدس جایون پادشاهی مامور بشتن
جمع و خرج ممالک محروسه بودند و عالیجاه سرزاجیم
بیتخدمت که محصل کل محاسبات است مامور تا که
و اتمام این کار بود و درین ایام ناخوشی که اغلب مردم
سبب و اهد از شهر فرار کرده بودند مشار الیه نظر بان
امرهایون ثبات و رزیده و سیلاد نهار مسئول بخر
و تشخیص جمیع مالیات ممالک محروسه و منوایب
مصارف دیوانی بودند و در اندک مدت حسابی
مضبوط از روی وقت نوشتند و در اوقاتی که موجب
جایون در سیلابی لا تشریف داشتند احضار در کار

مبارک شدند و جمع و خرج مزبور را بنظر اقدس ممالک
 رسانیدند و از اینکه در اندک مدت از عهد این خدمت
 برآمده بودند و در حضرت کردون بسطت درجه قبول آن
 با فتنه مورد تحسین التفات و لوازش ملوکانه گردید
 فرج سرتبندی که نامور خدمت لرستان و عربستان
 چون درین اوقات خسارت و خود سری کرده و بی این
 و اجازت اولیای دولت قاهره از آنجا آن بودند
 لهذا از جانب اولیای دولت عتیقه اسمعیل خان بیک
 با عالیجاه لطفعلی خان نایب الحکومه عراق مامور گردیدند که
 آنها را قبیله کامل نموده دو باب بفرستند و لرستان
 معاودت دهند

سایر ولایات

در روزنامه این ولایت از تبریز
 و خوی و شمیره اخباری درین صفت بنویسد که در روزنامه
 نوشته شود

خلخال از فرار بیک در روزنامه این ولایت نوشته
 سید احمد نامی از جمله سارقین و اشرا را آنجا که مدت
 ده دو از ده سال بود که بقطع طرق و دزدی و شورش
 مشغول بود و بکرات حکام سلف در صدد گرفتن او برآ
 بودند و بهستی نمی آمد و مردم آنجا از تعدیات و شرارت
 او بترسیده آمده بودند درین اوقات نواب میرزا علی
 نایب الحکومه آنجا صدارت را بعهده آورده است
 و چون درین مدت اموال بسیار از مردم بسرقت
 بجهت استرداد اموال مردم در حبس است تا بعد از

اغذ و استرداد اموال مردم بدینچه حکم اولیای دولت
 علیه صادر شود درباره او معمول دارد
 دیگر نوشته بودند که صحنه در خلخال بهر شخص که
 اجنبای او مرده اش را نکاشته و فتنش کرده بود در
 بعد از استقرار در قبر حمال آمده و فریاد کرده بود که
 شاید کسی او را شناسد و باستخلاص او بیاید و در آن
 تنگنای قبر بفریاد او رسیده بیرونش بیاید و درین
 شخصی احمق از آنجا عبور مسکر کرده است بتصور اینکه
 این صدای بتاشی است که بجهتش عبور آمده است
 بدست آورده و بر سر او رفته بود و خاکها را اس کرده
 بکشتن او اقدام کرده بود هر چه ضعیف بچاره الحاح ذرا
 کرده بود که من سکنه کرده ام و مرا مرده تصور کرده و من
 نموده بوده اند و حال بخود آمده ام و بتاشن بنستم آن
 شخص کوشش سحر ف او نداده و سر او را کوشش تا کوشش
 بود و بمنزل خود مراجعت کرده اظهار جلدت و بیجا
 خود را نموده بود که بتاشی را در قبرستان سر بریده ام
 و بعد از افشای کار او که معلوم شده بود که آن ضعیف
 که سکنه کرده بوده کشتن مشارالیه فرار نمود
 و نواب شاهزاده عباسقلی میرزا آدم بمقتضی او گذاشته
 که او را بدست بیاورند و تا استوار پیدا نشده است
 دیگر نوشته بودند که ناخوشی و با تا دهم سوال در
 آنجا شدت تمام داشته است و مردم بسیار
 شده بودند و بی درین اوقات تخفیف کئی حاصل
 بطوریکه بجز از یک بلوک که متصل با زمین است درجا

دیگر آن ولایت ناخوشی بهسم نیرسد اما مردمی که از ناخوشی متفرق شده بودند هنوز جمع نشده اند

دیگر نوشته بودند که زنی خانم نام از اهل قریه خوجین خلیج طریح موافقت مصاحبت با عیسی نامی تهر و مشارالیه را بکشتن حسن نام شوهر خود اغوا کرده

نموده و او هم درین اراده بکمال و یکجست گردیده و منتظر وقت و فرصت بوده است تا در شب بیستم

ماه رمضان المبارک نزدیک بقیه صبح که شوهر آن زن با اسبابت زراعت و فلاحیت بجهت عیسی نام

عیسی نام منور باد رسیده و او را بقه قه گشته است نواب شاهزاده عباسقلی میرزا فرستاده او را گرفته

و بجزر علمای آنجا برده اند و در آنجا اقرار بقتل عیسی نام کرده است و لکن نواب معزی الملب اورا حسن کرده

تا بد آنچه حکم از اولسای دولت قاهره برسد درین باب او معمول دارند

دارالمرکز

ازین ولایت درین وقت اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از فرار یک در ضمن تحریرات ولایات نوشته بودند و با در کل بلوکات اصفهان کمال شدت دارد و

شهر هم مست لکن نظر باینکه عالیجاه مقرب حضرتعالیه چه افعلی خان نایب الحکومه اصفهان قدغن کرده است

که بنای ختم و فاش خوانی و صلوة کشیدن را ممنوع داشته بر روز موعود راندند و بسبب بزرگی شهر

مردم خبر از موتای یکدیگر نمی شنوند و باین جهت اطمینان دارند و آسوده هستند و لکن در بلوکات شدت است که اغلب متفرق شده اند و باین ناخوشی در شهر و بلوکات کمال است و انتظام حاصل است

اقامه محمد حسین مباشر بر جوار و مارین که عالی بسیار بود و مردم از او کمال رضامندی داشته باین

ناخوشی مرجع شده و عالیجاه میرزا فضل الله که سابقا نیز مباشر لجنان بود عالیجاه نایب الحکومه

بیماری لجنان برقرار کرده است

دیگر از اصفهان نوشته بودند که عالیجاه نایب الحکومه در این ایام ناخوشی در نظم شهر و از اینکه سرفقت در

شهر و کمال اهتمام را دارد و بکند خدایان دستخطین و سخن

اکیده نموده است و ازین رو بگذر کمال است برای مردم حاصل است و کمتری سرفقت و زردی اتفاق می افتد

از فرار یک در ضمن تحریرات ولایات نوشته بودند ناخوشی و با که در کاشان و قم و آن اطراف بوده

درین اوقات تحجیم کلی یافته است و کوبا از فرار معلوم می شود ازین ولایات که در این اختلاف مبارک

مهر آن نزد یک بسیار شده و در این اوقات ناخوشی و با بکلی رفع شده باشد و لکن از سمت خراسان

و کرمان و یزد از فرار احبار می که میرسد درین اوقات ناخوشی و با شیعوی داشته است

و کم و بیش مردم تلف می شده اند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند این روز
 تراعی بنامین است که خان کلیانی و قلعه کسری و موش
 واقع شده و در دهم سوال نواب سنباطی است
 و الا بتا عمارالدوله حکمران کرمانشاهان از شهر نقل مکان
 نموده و در قلعه سامی کریم که از جمله عمارات دیوانی است
 قدری از شهر دور است منزل کرده و از آنجا بقصد سفر
 برای انتظام امور کلیانی غنیمت دانند که رفته امورا
 آنجا از نظری به بند

و بگو نوشته بودند که درین روز نواب عمارالدوله
 مقرب داشته و رسم نوشته اند که جناب قاسم
 و گسی ندر غلام از سواران ابو اسحیحی خود در گردنه
 سبجه محافظت راه مزبور الی شهر بگذارند که قوافل اسوار
 عبور نمایند و شارالیه نیز حسب الامر سوار بر رویه
 در آنجا که است و در آنجا بزرگگیری و فراسو
 و حفظ عابرین و مترددین مشول اند و از وقتی که سواره
 مامور گردیده اند کمال امنیت در آنجا حاصل است و از
 وزاد و قطاع الطریق سرت و خلاف حسابی مانند
 نمی شود و سواران مزبور همیشه در آنجا نگه دارنده
 و در نظم آن را بهما اهتمام تام دارند

قبل ازین توپچی و افواج همه روزه در میدان توپچا
 و در شهر مشغول مشق و اموزن آداب و قواعد نظامی
 بودند و لکن درین روز ناچه شدت گرمی بود و نقد
 برفت و هیچ مشق افواج عالی از صعوبتی نبوده است لهذا
 نواب معزنی الیه پیشین صاحب مشق افواج آنجا

حکم نموده اند که چند روزی که گرمای هوا شدنی دارد
 توپچی و افواج را از مشق معافت دارد تا اینکه هوا خنک
 بگردد الی آنکه آنوقت باز مشغول مشق و تعلیم و تسلیم قوا
 نظامی باشند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند درین
 روز نواب امیرالامرا العظام سردار کثیرالافتاد
 حکمران یزد در کرمان با عالیجاه سیر الشفیح وزیر دباغ
 مجلس منزل کرده و قدغن نموده است که هر کس عرض
 داشته باشد کسی مانع نشود و مردم بی عافیت و
 مزاحمت در بان و غیره آمد مطالب خود را عرض نمایند
 دیگر نوشته بودند که در بعضی بلوکات یزد و کرمان
 پنج خوارکی شده و ازین رکند و در بعضی جاها حاضر
 کتلی بر جای باخوردند

عالیجاه آقاخان که مأمور بخصیله داری قسط مالیات
 کرمان بود این روزها خواه قسط را جمیع نموده
 چهار دهم سوال روزانه در آنجا است

عالیجاه دین محمد خان کرمانی که در روزنامه سابق
 شده بود که سبجه اظهار اطاعت و انقیاد این دولت
 بکرمان می آمده است از قراریکه نوشته اند در این ادعا
 وارد کرمان گردیده و امیرالامرا العظام سردار کثیرالافتاد
 لازمه احترام و احترام اراد نموده و بعد از چند روز توقف
 خود و سپر عالیجاه شارالیه را مخلص نموده و با کمال
 بخواه این دولت علیه مقتضی المرام بکرمان معاودت نموده

اخبار دول خارجه

تاریخی نام که در ولایت ایتالیا بود و در آنجا دستگیر
استریته شد. بود درین روزها ولایت انگلیس مراجعت
کرده است از عمل و رفتار این شخص و از گفتار خود نام که
از باغبان مجارستان بود و در وقت که در مملکت انگلیس
معلوم شود که این فراریها که در ولایت انگلیس و در سبکی دنیا
شکالی نشده اند اکثرشان نظر وقت است که سر وقت
که قدری اغتشاش در فرنگستان روید و برود در ولایت
خود جنگ و اغتشاش و یا بگری بر پانامیند که از روی
خود در آن اغتشاش بپاوردند و در یکی از روزها
وزان که اسامی نشانال می نامند نوشته اند که در
روی زمین باید ازین معنی خبر باشند و در سر خبریات
بحث و مکالمات نهند که بحث دول سبب مجال عمل
میشود بحث و مکالمات دول مانند بحث و مکالمات اشخاص
با یکدیگر و اگر در نظر که بخواهند با هم جنگ بکنند بدانند
که جنگشان ضرر خودشان است و منفعت دیگری اگر
عافل باشند هرگز جنگ نخواهند کرد و نفر از روز تا
نویسان لندن از مراجعت مزینی فخر می کنند و لکن این
چنین اشخاص انگلیس جای فخر و شادمانی نیست زیرا که
ضرا آنها بکل دول میرسد و خلاف نظم دولت است
در روزنامه اسلامبول که روزنامه است و در استانبول
نوشته اند که در اضمیر که از شی اتفاق افتاده است که با
گفتگو با این دولت علیه عثمانیه دولت به استریته
ند است شخصی از فراریهای مجارستان که چند سال

پیش ازین مسرعه شود و فراریهای دیگر مالک روم
پناه آورده بودند در حسب قاری که دولتین مزبور دادند
این فراریها از خاک عثمانیه اخراج شده و به سبکی دنیا
رفتند درین روزها این شخص بشهر صمیر مراجعت کرده بود
قونسول دولت استریته که در شهر صمیر بود حکم کرده بود
که این شخص را بگیرند و چند نفر اگشتیانان کشتی سبکی دولت
استریته را که در آنجا بودند مامور گرفتن او کرده بودند
اینکه چاکران دولت عثمانیه را خبر دارند و اسامی
دولت عثمانیه نیز خبر از مراجعت این شخص شده
کشتیانهای مزبور مستح شده و گرفتن این شخص اقدام
کردند او هم خود را بدربار انداخت و شناسیده که کشتی
خلاص شود کشتیانها زورق سوار شده و رفته او را
گرفته بردند در کشتی سبکی محبوس کردند در شهر مزبور
اشخاص بسیار بودند که از دولت استریته تسلیس شدند
و خودشان را در آنجا در امانت میدانستند و فراریها
با این اشخاص متفق بودند و این عمل قونسول منافی رای آنها
بود و بسیار رنجیده بودند و قونسول دولت سبکی دنیا
شکالی در مقام بازخواست برآورد و بکشتی سبکی استریته
بیدن این شخص که محبوس بود رفته بود در روز بعد از
این مقدمه سه نفر از صاحب منصبان کشتی مزبور در
مهاجرت اضمیر بودند و پانزده نفر از فراریهای مزبور
سر این صاحب منصبان رنجیدگی ازین صاحب
مکرمخت و دیگری ضرب و صدمه زیاد دید صاحب منصب
سیم که بسیار جوان بود زخم خنجر برداشته و خود را
بدربار انداخته غرق شده بود بعد از یک روز

اورا در در با جستن این که ارشش با سلامبول رجوع
 شده و مصلحت گذاردن اول مسکنی دنیای شمالی و ایلی
 هر دو درین باب با دزبردول خارج گفتگونی کرده اند
 و شکیب افندی را که یکی از شیران دولت علی است
 با صمیر فرستاده اند بجهت تحقیق این گذارش و در اینجا
 مردمان بسیار گرفته و حبس کرده اند تا تحقیق شود

درسم درین روزنامه نوشته اند که درین روز
 نظام صیقلیه و زندانی در اسلامبول گرفته اند که
 آنها نهایت خرابت را دارد بجهت که چک را همراه خود
 برده اند و در ب خانمانی را که کمان میگردانند
 که خالیت و کسی در آنها نیست میزده است اگر کسی
 بقرب در ب خانه آمد و جواب داد آنوقت چیزی را
 کرده پیر سیدند و میگذشتند و اگر کسی بقرب درنی
 و معلوم می شد که خانه خالیت و کسی در او نیست
 سجا طرح جمع سجا نه بر فتنه و هر چه اموال در

در آنجا میدیدند بوقت پیش
 تاریخ روزنامه آخر که از اسلامبول رسید
 رمضان المبارک بود و نوشته بودند که درین روز
 آتش در یکی از محله های اسلامبول که مرجان می نامند
 افتاده بود در نزدیکی چارسوی بلند که آرزون چارسوی
 دست باب خانه سوخته بود این آتش و نصف شب
 روز کرد و اما نظام آتش خاموش کن زود آمدند و
 از آنها و وزرای دولت جمع شدند و در یک ساعت
 آتش را خاموش کردند

در روز دهم ماه رمضان المبارک لار و اسیرت

سفر کبیر دولت انگلیس و قولش و ولدان بدو
 مختار و ایلی مخصوص دولت ردس و باران
 ایلی دولت استر به منزل موسی و کاکور سفر
 کبیر دولت فرانسه که در تریپه نزدیک اسلامبول است
 رفته بوده اند که با هم بگردن بایب بعضی امورات دول
 فرانستان مصلحت و مشورت نمایند و قرار می گیرند

درین روزنامه از دولت انگلیس رسیده است
 و تاریخ آن ششم شصان المبارک بود و کن
 اخباری که قابل نوشتن درین روزنامه ما
 نداشت و از پاریس پای تخت فرانسه نیز
 تاریخ روزنامه رسید در آنجا بنا دارند که چند
 راه این تازه بجهت رود کال که بخار سازند و یکی
 ازین راهها از شهر رود والی شریمان میگذرد
 در راههای دیگر که از جاهای آباد مملکت فرانسه میگذرد

هم میازند و کمان دارند که ساختن این راهها
 نفع زیاد بکنند هم بجهت خلق و هم بجهت حمل و نقل اجناس
 و محصول و بارهای تجاری و هم بجهت فرستادن
 قشون از طرف تا طرف مملکت فرانسه بهر
 که بخواهند

در شهر فری نورخ مملکت یونیس که اقلشش و یا
 شده بود و تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شده
 بهیال چند نفر اشخاصی که در آن اقلشش با هم
 دولت با با عیان جنگ کرده و کشته شده بودند
 العام داده اند و بزنی یکی ازین اشخاص که کشته شده

دشت مغل کو یک داشت ده هزار فرانک که تخمیناً
 هزار تومان پول ایران میشود داده بودند و یکی دیگر چهار هزار
 هزار فرانک داده بودند و یکی دیگر ده هزار فرانک و این
 اشخاص نوکر بودند از رعایای آن ولایت بودند که از راه
 و وقتجویی در وقت ضرورت بغیرت تمام با با عیان
 جنگ کرده و کشته شده بودند از آنجهت دیوان انعام
 بیهال آنها دادند و موافق فراری که دارند باهل قشون که
 درین جنگ زخمی شده است ستمی داده بود
 در مشورتخانه سولیس در خصوص گفتگوی با دولت
 بحث مشورت میکردند و تقصیر این گفتگو را باهل
 گل بلوکات آن مملکت اعلام کرده بودند و حکم کردند
 که موافق قاعده که دارند اهل هر بلوکی قشونی معین که در
 ضرورت باید حاضر نمایند بنمایند قاعده مملکت
 سولیس این است که قشون رکابی بسیار کم نگاه میدارند
 سببه اینکه مملکتان بسیار کم وسعت است و مالیش
 کفایت نمی کند که قشون رکابی زیاد نگاه دارند و لکن
 اگر اهل آنجا تیرانداز بسیار خوب اند و اسامی
 آنها را در دفتر مینویسند که در هنگام ضرورت
 بیایند مانند قشون خدمت بدولت میکنند این
 مملکت کوپستان است و اهلش بسیار رشیدند
 اگر چه در وسط فرنگستان واقع است و هم سرد
 چند دل بزرگ است و لکن تا بحال ازین دولت محکم
 نموانند از این مملکت را تصرف نمایند یا ظلم و جبار
 نسبت بانها میکنند
 در روزنامه شبانی بند در باب گزارش چنین

که عاکم شهر سنکین از قونول انجلس که در شهر کنار دریا
 مملکت چین می نشیند امداد خواسته بود و نوشته بود
 که با عیان شهر سنکین را محاصره کرده اند هم از راه خشکی
 هم از راه آب و اگر امدادی از قشون بحری دولت
 که در آن صفحات مستندند و شهر سنکین بدست با عیان
 خواهد افتاد و شهر سنکینی که شهر است در کنار دریا
 و فرنگها در آنجا تجارت دارند نیز بدست با عیان می
 افتد کشتیهای جنگی پادشاه چین که در رودخانه
 که از آنجا میگذرد بودند به کشتیهای با عیان جنگ کرده
 بودند و از با عیان شکست خورده و با عیان رو برو
 شهر سنکین آمده بودند قشون با عیان که سببه محاصره
 شهر معین شده اند سی هزار نفر بودند و لکن قشون
 دیگر که ازین زیاد تر است نسبت شمال که طرف پای
 می باشد فرستاده بودند و دولت چین از این
 انگلیس که هم منصب ایچی کری دارد و هم عاکم جزیره
 از چین است که در تصرف انگلیسهاست امداد خواسته
 بودند و یک کشتی بخار نسبت شهر سنکینی روانه
 کرده بود و دو کشتی دیگر که یکی کشتی بخار بود و یکی
 کشتی بادبانی در آنجا بودند و یک کشتی جنگی بخار
 از دولت فرانسه و یک کشتی جنگی از دولت
 روسی و نیای شمالی نسبت سنکین فرستاده و اهل
 چین میگویند که اگر با عیان این شهر را تصرف میکنند
 دولت چین تمام میشود از مملکت چین چند رودخانه
 بزرگ عبور میکنند و این رودخانهها را یک شهر بسیار
 بزرگ متصل کرده اند و تردد اکثر آن مملکت درین

۸۱۵

رودخانه و نهر مزبور است مملکت پکن که پای تخت
 آنهاست در سمت شمال مشرقی اولات است و کا
 سمت جنوب غربی اگر باغبان شهر تنگین را نظر
 بکنند چونکه مابین اتفاق افتاده است نزد رود خا
 و نهر در دست باغبان می شود و عبور چاکران بوا
 و خلق و حمل و نقل محصول و مالیات دیوان از سمت
 جنوب بالمره بریده می شود و منسبکه باغبان ربوای
 میرفتند نسبت جنوب مملکت نیامده بودند کویا
 سخو استند بودند که مابین آنها و اهل دول خارجی کفنی
 بشود و سمت جنوب مملکت چین بسیار حاصل اورا
 و تا بحال خدمت سپین می کنند باغبان هم خیال
 داشتند که از راه آب این رودخانه سمت پای
 تخت بروند حال که فرنگیها و خل و تصرف می کنند
 است که دولت خاقان باز برقرار باشد اما بعضی
 از اهل چین میگویند که باغی شدن خلق باین سبب
 که میخواهند سلطت سلسله پادشاهان چین را که از
 اهل تاتارستان می باشند بر جسم بزنند و از اهل
 خودشان در اولات یکی را سلطنت برقرار بیا
 و میگویند که اگر دول فرنگستان جسم کشتی جنگی و
 قوه ن سحری نسبت چند رودخانه بفرستند چندان
 فرق درین جنگ نخواهد کرد و آخر الامر اهل چین که تصور
 پادشاه جنگ می کنند کار خودشان را پیش
 برده و دولت این پادشاهان را که از اهل تاتارستان
 هستند بر جسم خواهند زد و میگویند که باغبان در
 خودشان نظم تمام دارند پنج دست قشون بزرگ دارند

و هر شش هزار و چهار صد نفر یک سردار دارند و فوجها
 هر فوجی یک هزار و شش صد نفرند در دستها چهار صد نفرند
 صد نفر و بیست و پنج نفر مشخص کرده اند خودشان نامند
 دولت چین روزنامه چاپ میزند و اسامی کل
 صاحب منصبان را که در آن قشون هستند در روزنامه

نوشته اند
احوال است مفرقه

چند وقت است که در فرانسه شخصی در باب تخم
 ماهی قشوی یافته است که تخم ماهی را در رودخانه
 یا حوضها میگذارند و ماهی از او بچل می آید و ماهی
 بعضی رودخانهها را باین طور بسیار زیاد کرده اند
 و طور بچل آوردن این ماهی مابین است که ماهی را
 که با طوره و غیره میگیرند هر کدام که تخم در میان
 شکست در می آورند و نگاه میدارند و در
 میان خاک نزدیک بکنار رودخانه که کشت
 کم عمق باشد میگذارند و ماهی از آنها بچل می آید
 در سمت قطب شمالی که در زمستان چند ماه
 شاست و اقیانوس طلوع نمی کند و چند ماه نیز در آ
 که اقیانوس غروب نمی کند و فصل زمستان در آن طرا
 روشنائی در آسمان ظاهری شود و اکثر اوقات
 این روشنائی رنگ برنگ می شود مانند قوس
 و پر توی از آنجا می تابد مانند تیر شهاب و چنین روشن
 میشود که از روشنائی روزگاری تفاوت دارد و مردم
 تصور می کنند که این یکی از فضلاته خداوندی است

مجلس فرمسم آید و منظور نظر جانوران شایسته این بود
 که عموم ارکان دولت و اعیان حضرت و بزرگان و
 لشکر حضرت از آن تقصیل این عنایت و توفیق جمیع
 مهام و امورات لشکری مغزی الیه استحصا حاصل نمود
 مبارکباد و بگویند لهذا جناب جلالت آبل اکر صدم
 دولت علیه روز شنبه سیم اینماه با طاق نظام آمد
 و صبح شاهرا دکان عظام و ارکان دولت و سران
 لشکر حاضر داشته و سلامت و جود مبارک
 اعلی حضرت پادشاهی بعد از صرف شربنی تهنیت
 بمقرب انخافان ملک الکتاب حکم نمودند فرمان جهان طاع
 که درین باب شرف صدور یافت بود با و از بلند
 خواند پستانج سبب ارکان و اعیان و امیران تومان
 میران پنج و سترپان و سترشکان از توپخانه مبارک
 و خورخانه و افواج قاهره و حبه خانه و محکم خانه و
 طبقا لشکری رسانند و حامل مخصوص سرداری کل
 نشان مثال جانوران در چهار روز رحمت و زین سکر
 و افتخار مغزی الیه سایر صاحب منصبان و افواج
 قاهره از توپخانه مبارک که و غیره که در رکاب سبایون
 بود از مکنی حاضر شد شیرینی خوردند و مبارکباد
 گفتند
 چون مقرب انخافان میرزا محمد خان سرسبکی با شرف
 سفر که موکب سردری کوکب جانوران در میان قافله
 شرف داشتند خاطر خیر لوقا ز را از حسن خدمات
 انعامات خود رضی و خورسند داشتند و راتب صدق
 و ارادت و ملحوظ نظر رحمت امیر خردانی گردیده در این

۸۱۸

اوقات که از بیلا قافله مقرب فرمودند در ازای
 خدمات مقرب انخافان نشان را به که مقبول و حسن
 جانوران امتزاده بود بجهت سزید معاشرت و بیانات
 یک نوبت کلجه از طبوسات تن مبارک باد فرمسم
 طلب رحمت فرمودند
 بر حسب امر قدردان جانوران مقرب که امیر الامراء
 سردار کل عساکر قاهره پنجشنبه پنجم ماه ابیت
 و جمعی از افواج قاهره و سواره نظام در بیرون دروازه
 دولت نقل مکان کرده روز شنبه از آنجا بجانب
 سلطانیه حرکت نماید و موکب جانوران همسفر
 با و عراده توپ و فوج اول خاصه شریفه و جمعی از
 سواره نظام حرکت خواهند فرمود و افواج و سواره که
 از ولایات سلطانیه احضار شده بودند و بیانات
 بیچد سیم این ماه وارد سلطانیه شوند از فرار یک
 بعضی اولیای دولت قاهره رسیده همه آنها از منزل
 خود حرکت کرده روز بیچد سیم وارد سلطانیه خواهند
 شد حسب الامر جناب اعلی اکر م صدر اعظم حکم نظامی
 نوشتند و حاشیه آن بخط جانوران زمین شد که
 امیران تومان و میران پنج و سترپان و سترشکان
 و سایر صاحب منصبان که سمرایه امیر الامراء نظام
 سردار کل باید بروند هر کدام یک ساعت عقب ماندند
 مورد سیاست نشانیانند شوند
 چون مقرب انخافان پادشاهان سرتیپ سواره نظام
 و افواج و اعیان و ستمنان در قواعد سبکی و خدمت
 کمال استقامت ظاهر داشتند و حسن استقامت او با

سزید اعتماد و انتقام خاطر مبارک پادشاهی در حق
 او کشت لهذا علاوه بر ابواب جمعی سابق او یکبار فرستاده
 کرد و بزرگ مازندران را اسم ابواب جمع مشارالیه
 فرموده و سید توپان بر مواجب او فرود ندهد
 عایجه مقرب انخاقان اسمعیل خان حرازه دار نظام
 باین منصب تمیز شده بود لازم بود که
 این منصب با عطا تشریف هایون نیز منتظر کرد
 لهذا روزیکه جناب جلالت آب صد اعظم و ارکان
 دولت در مجلس تنیست سرداری کل بودند که
 حبش ترمه کشیده هم بعایجه مشارالیه
 فرستاده

سایر ولایات

آذربایجان خوی

از قراریکه در روزنامه خوی نوشته بودند معرب
 اسکندر خان سردار که از دربار هایون حکومت
 مامور گردیده بود در سیم ماه رمضان المبارک وارد
 انجا گردید دست و امانی انجا عموماً از نظام و غیر نظام
 مقرب انخاقان مشارالیه را استقبال نموده لوازم
 احترام را معمول داشته اند و بعد از ورود به
 اعلام و امانی نظام را شربت شیرینی داده است
 از قراریکه نوشته بودند اهل انجا از حسن کفایت
 و سلوک مشارالیه کمال رضامندی دارند از جمله
 اینکه قرار داده است که هر روزه چهار ساعت از روز
 گذشته تا وقت اذان نشسته بود ایضاً مردم رسید
 نماید و هر کس عرضی داشته باشد از فقیر و غنی بی واسطه
 ولی مزاحمت احدی باین عرض عرض خود را کرده

و جواب بگرد و کسی قادر بر مانع تسبیح عارضی نیست
 و کل امانی انجا خصوصاً فقره وضعاً ازین فریاد
 و امیدوار و دعاگوی این دولت قوی شوکت علیه
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه رشید خان که از جانب
 اعلیحضرت پادشاهی خلع مقرب انخاقان مشارالیه را که
 لیسب جبه ترمه بود و میرد در ششم ماه فروردین
 مقرب انخاقان مشارالیه با تفاق معارف و اعیان
 و افواج قاسره نظام با پنج عراده توپ تا یک فرسخی
 با استقبال شایسته و لازمه توقیر و احترام تشریف
 هایون پادشاهی را بطول آورده و زین برود و شش مفاخر
 و مباحث نموده بشهر رحمت کرده و معارف و امانی انجا
 و صاحب منصبان نظام شربت شیرینی داده است
 مبارکباد گفته اند و در وقت خواندن قرآن هایون پادشاهی
 بجهت اتمام فرمان بر پا خوانده است و علماء و اعیان انجا
 متابعت نموده اند

مسابقت نموده اند
 گروستان از قراریکه در روزنامه گروستان نوشته اند این اوقات
 و سایر سلبا بنیامی بی اعتمادی که از اشیای زیاد بصیافت
 رسانده اند و فایده و در لوک سپاه خوارت و ازین سبب
 این کانت اولیای دولت عالی ایران و انما بسره دران قدغن
 در وقت خلاف قاعده انفاق و نظیر اعتمادی با اتحاد و دوستی
 دولت علیه عثمانی دارند در صد دلفانی و تدارک این
 دارند که دکلای دولت علیه عثمانی نظر کمال بر دولت اتحادی
 اولیای این دولت حاصل خود در مقام دلفانی این خزان
 و منع ایلات نیز بر این حسابت خواهند آمد

خراسان

از خرابی که در ضمن تخریب است در روزنامه خراسان نوشته
 ناخوشی و با در آنجا کمال شدت را داشته و عد
 صورتی روزی به قصد نفر رسیده بوده است و کنگر
 اوقات از تفصیلات و زانندی تحقیق کلی یافته
 اموات متراکم است و پنجاه نفر رسیده است
 و امید کلی است که ایشا الله تعالی این بلایم از آنجا دور
 مسم بزودی رفع شود

دیگر چون ما بین عمده الامر و العظام ظهیر الدوله حاکم
 و عمده اسخو انین العظام که بمیداد خان بیکر سکا میرزا
 و میر احمد خان جمعی سالی است که سعادت
 و برودتی بوده این اوقات ظهیر الدوله و میر احمد خان
 جمعیت بر سر ایل هزاره فرستاده سنای حجاج
 و منازعه که داشته اند از قرار که نوشته بود
 هزاره مسم جمعیت فرستاده آورده و در مقابل آنها
 در حدود طرد و منع بوده است در وقت سواری اسب
 انداخته و خود شن با اسب بر ختی خورده و بزین افتاد
 و ازین جهت صدره ریادی باه و ارد آن است
 بودند که آوهایش او را در بار سواری کرده بود
 سواری شده بود و در آنجا وقوع این کیفیت
 جمعی نیز فرستاده غنیمت و استیلا ایل هزاره را
 زده اند و از خود بیکر سکا هزاره خبر صحیحی رسیده
 که از آن صدره داره نرده جان برده با

و همچنین چون ما بین او کنگری و تروی از میان
 اسانلی برده این اوقات خان جمعی با ده هزار
 جمعی بر سر تروی آرم و آنها را حمله کرده است

و خلیفه مرد و مروی مسم استخلاص خود را درین
 دیده بودند که بر دخی رابطه مسندگی و اطاعت دولت
 قاهره دست توسل بذیل حمایت درایت دولت علیه
 بنشدند خلیفه مرد و سپهر خود را بارض او مسم
 نواب مستطاب شاهزاده و انبیا حسام السلطنه
 فرستاد حمایت از اولیای این دولت علیه خواسته
 بود اولیای دولت علیه نیز موافق رعیت بروی

حاکم کنگری مطابق استیذان و استقلال آنها
 نواب مستطاب شاهزاده حسام السلطنه حکم نمود
 که لازمه تقویت داد از خلیفه مرد و مروی بطل آورد
 تا رفع شر او از کنگری از سر آنها شود نواب معزی الیه نیز
 عباسقلیخان اره جزیری با حکومت آنها فرستاده در
 سواره سحر راه او کرده بودند بعد از آنکه عباسقلیخان در
 با استیلا آورده شده بودند ناخوش شدند و غایت یافته
 بود و او را کنگری مسم با جمعی که داشته اند در راه
 کرده بودند تا اینکه ایزد نام روی با قبیل توگری که از دولت
 علیه در آنجا بوده اند یکدیگر از قطع مر و بیرون آمده بر جمعیت
 او کنگری ریخته جمعی را قتل جمعی را با دستگیر ساخته بودند
 او کنگری مسم بعد از شاه این احوال استوار شده و در
 استیلا بر رفته بودند و در کس و سوار سکر در کان آنها را که در
 دلاکت افتاده بود تا بر این مسم نواب مستطاب شاهزاده و نواب
 بهادران سپهر به استیلا در جزیری با پادشاه فرستاده از
 دستداره اند که اگر او کنگری در با سپهر و بدست کنند از خرابی
 نواب مستطاب شاهزاده حسام السلطنه که اگر کنگری فرستاده
 نواب مستطاب شاهزاده حسام السلطنه که اگر کنگری فرستاده

اخبار دول خارجه

انگلین در روزنامه این ولایت تاریخ هشتم
 رمضان المبارک نوشته بود که پادشاه
 مملکت منوره که پسر عموی پادشاه انگلیس میباشد
 بدین لو آرم بود و وزیر مختار استو در معتم لندن و
 دو کسافت کیمبرج عموی پادشاه انگلیس با استقبال
 پادشاه منوره و زرقه بودند و کشتی پادشاه منوره
 وقتی که در رودخانه رو بروی دنج رسید پادشاه
 منوره را رگشتی بیرون آمد و بکالسکه سوار شده بجمار
 پادشاه انگلیس فرستاد

درین مابستان قرار داده اند که در چند جای مملکت
 قشون جمع نموده آرد و بزنده بجهت مشق حرکت کلیه
 بشت هزار قشون نزدیکی سخت لندن جمع کرد
 و آرد و زده اند و خود پادشاه انگلیس بتماشای
 مشق قشون منوره آمده بود و پریش البرط با پادشاه
 منوره و بعضی از امرای منوره همراه پادشاه بودند
 قشون منوره مشق جنگ منظم با کمال جانکی و نظام کردند
 و در جای دیگر هم که قرار جمع شدن قشون داده اند
 در دبلین پای تخت مملکت آیرلند است و قشون رود
 در هر جانی که معین شده بود جمع شده و مشغول
 بودند

باین معنی بر طبق است و در بود داده اند
 در مملکت فرانسه چند اردو درین اوقات جمع
 قشون قرار می دهند هر یک نزدیکی سخت پاریس
 با یکدیگر است و در هر اوقات قشون و امشده باشد و در

سابق کساده شده و بیکار مانده بودند کارشان باین
 اشخاص بتزاع انجامیده و یک نفر از معدنیان سابق
 در بین دعوا کشته شده بود و بعد ازین مقدمه آنچه
 اهل ایرلند بود از آنجا بیرون کرده بودند مع ذلک باز
 آشوب فروختند تا اینکه از جانب دیوان خدیفر
 آمده و ضدین طرفین را گرفتند انشای منوره

تاریخ کاغذ آخر که از ولایت انگلیس رسید روز
 هفدهم ماه رمضان المبارک بود دستور تجماع خوانین
 و وکلای رعایا در پای تخت اجلاس کرده و مشغول
 گذاردن امور دولتی بودند

فرانس

درین اوقات چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده
 اهل شور تجماع این ولایت بر خضر شده اند که بجانهای
 خود بروند و درین چند ماه که اجلاس کرده بودند بعضی
 قرار و قانونها بجهت نظم مملکت گذاشته بودند از ایام
 این مملکت که سه چهار سال قبل ازین بود و تکیه در دستور
 اجلاس میکردند چون باین آنها بحث و مخالفت زیاد بود
 و گفتگوی مختلف میکردند چندان مجال قرار نظم
 ولایتی نداشتند تا چونکه حلال در میان اهل شور تجماع
 مخالفتی نیست مجال قرار کارهای دولتی را داشته و قرار
 کسب بر طبق است و در بود داده اند

در مملکت فرانسه چند اردو درین اوقات جمع
 قشون قرار می دهند هر یک نزدیکی سخت پاریس
 با یکدیگر است و در هر اوقات قشون و امشده باشد و در

شمال نزدیک شهر لیل هم اردوی دیگر میزنند
و آمدن لوی ناپلیان امیر اطور فرانس را بان اردوی
شمالی در پانزدهم رمضان معین کرده اند

در روزنامه دولتی این مملکت نوشته اند که موسیو
کلو که حکیم باشی علیحضرت پادشاه ایران سابقا
نشان لژان و از ازد دولت فرانسه داشت درین
روزها همان نشان از مرتبه اعلی از دولت فرانسه
بشار الیه داده شده است و نوشته اند که موسیو
برادر زاد معلم طب است که همین نام را دارد و سینه
و حدائقش مشهور کل دنیا است و موسیو کلو که
این نشان و منصب اعلی بود در جهت علم و فطانت او و
خوش سلوکی نسبت به مردم و خدمات صادقانه
او که نسبت با علیحضرت پادشاه ایران دارد و چون
اشخاص که بخوش سلوکی و محاسن اخلاق ارستیه
از برای فرانسه در آنولایات باعث نیکنامی می شوند

استریه

از شهر میلان نوشته اند که بیت فقیر مقصد دولتی
که در اعتناش چند ماه پیش ازین تقصیر کرده بودند و
از تحقیق معلوم شده بود که تقصیرشان جز غیبت حق
شدن مقصرین این شهر همه چهارصد نفر بودند و دولت
شما و نفر از اینها باز محبوس اند و مابقی را مرخص کرده
و چند نفر هم درین روزها تازم گرفته اند بجهت اینکه
هم مصلحتان مزیدی و سود پول داده بودند و این
همسوز خاطر جمع بودند که آیا مقصدین دو باره
در آنولایت بر پا خواهند کرد یا نه و نظامشان را در آن

۸۲۲

اطراف سخت میکردند خصوصا توپچیان زیاد که بان
اطراف فرستاده بودند

دولت نیز در وینس پای تخت استریه عمارتی بزرگ
خریده است و حال تعمیر میباشد بجهت ششمین و هفتمین
پادشاه نیز که درین روزها دختری را از اقوام امپراتور

بستریه عدوسی بنجاید عماد

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شد گفتگویی با
دول شده بود در خصوص یکی از فراریهای مجارستان
که از مملکت سبکی دنیا بشهر اصمیر مراجعت کرده بود
و قنصل استریه او را گرفته و در کشتی جنگی دولت
که در آنجا بود محبوس کرده بود در باب این گزارش
در روزنامه که تازه رسیده است باینطور نوشته

که چون این شخص در زیر حمایت دولت سبکی دنیا بود
و باند کرده آن دولت بولایت اصمیر آمده بود سر کرده
کشتی جنگی دولت سبکی دنیا شمالی که در آنجا
از سر کرده کشتی جنگی دولت استریه این شخص محبوس
خواستند بود او هم بزرگ داده و گفته بود که حکم
قنصل دولت استریه محبوس است و نخواهد
داد سر کرده کشتی سبکی دنیا نیز کشتی خود را در
کشتی استریه کشیده و توپها را بر کرده اجبار
مؤدود و کشتی بخار استریه نیز که در آنجا بودند باید
کشتی جنگی استریه آمد و کم مانده بود که مابین
استریه و کشتی جنگی دنیا نزاع بشود کشتیهای
طرفین مابین جنگ بودند و قنصلهای دول دیگر

که در اصل هستند چونکه در بند زراع می شود فرستند
قونول دولت استرته و قونول دولت مزور حکم
فرستاد بکشی جنگی دولت استرته که سر کرده کشتی بود
ان شخص را نیز قونول فرانسه بفرستند و چونکه مرین
بود او را به بیار خانه فرستادند و حال درین خصوص

گفتگو فیما بین دولت است

احوال استرته

از شهر نیو آریانس یکی دنیای شمالی نوشته اند
که در خصوص سرحدات ما بین آن دولت و دولت
لنگو گفتگونی شده است سبب اینکه بعضی جاها
که در سرحد و استین بود اهل دولت جمهوری نیو آریانس
شمالی آمده بودند و تصرف کرده بودند دولت لنگو
شون بان سمت میفرستادند

در یکی از معادن مس که در ولایت انگلیس است درین
روزها چینه اند که طلا دارد و طلای او را هم در آورده اند
اگر چه کم است اما باز بطوری است که منفعت میکند

بعضی اوقات در طوفان و رعد و برق سنگ از
آسمان افتاده است و درین روزها در خلعت فرشته
یکی ازین سنگها افتاده است و مردم آنجا برداشته اند
رنگش سیاه بوده و چهار گوشه و نیم طول داشته است

در روزنامه بیفته که شسته نوشته شده بود که در
قطب شمالی که چند ماه شب است و آفتاب طلوع نمی کند
چند ماه روز است و آفتاب غروب میکند و در فصل

مستان آن اطراف روشنائی در آسمان ظاهر
می شود سابقا در ولایت انگلیس این روشنائی را
نمیدیدند و در سایر ممالک هم که در آن درجه بود
پیدا نبود اما حال چند سال است که در ولایت انگلیس
این روشنائی را می بینند و در روزنامه بیفته

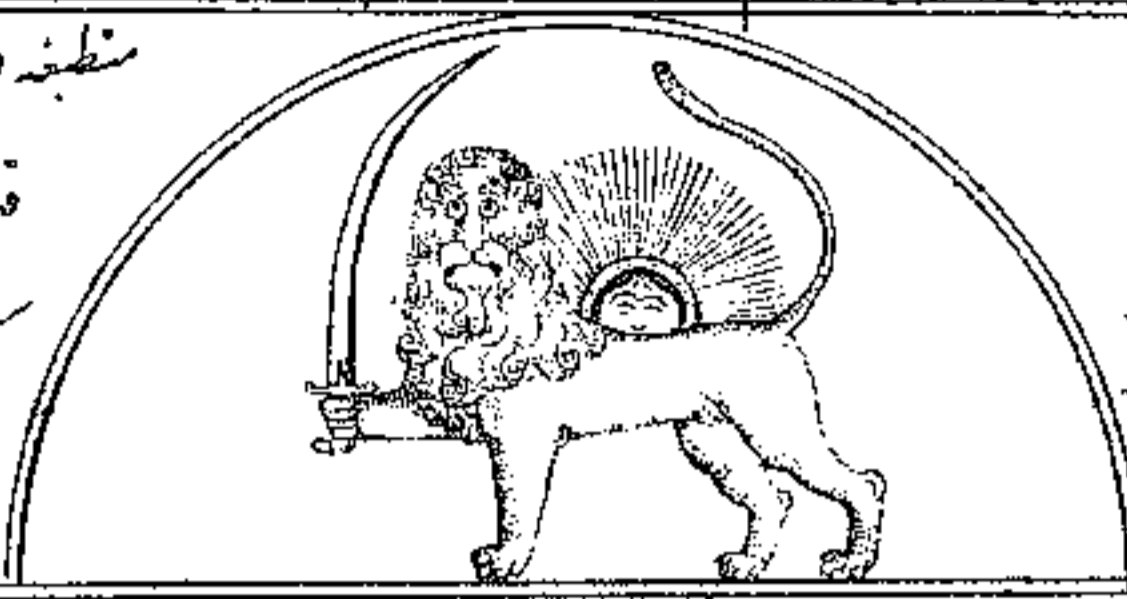
چهارشنبه شانزدهم شعبان نوشته اند که این
قسم روشنائی در آنجا پیدا بود نزدیک نصف
اول دو ماه غیر از ماه متعارفی پیدا شده بود بعد
مانند تیر شهاب در آسمان کشیده شده و اینها
رنگشان مثل سابر کواکب بود و از مغرب سمت شرق
میرفتند و غیر از اینها نیز چیزی مانند شمس و قمر
بود و لکن رنگ او زرد مایل بنارنجی بود و در
کواکب اسد روشنائی برنگ نارنج هم بود

لیکن سبب این قسم روشنائی در آسمان تا بحال کسی
نقصیده است

در طرف قطب شمالی که در تحت منطقه بارده است
که هوای آنجا بطوریست که در دهم و پانزدهم
برف بنای آب شدن میگذارد و در یک هفته
بکلی آب میشود و در بیت و غم و بیت و ششم خیزان
در ختیا برک می کشند و نباتات نشود کامی نمایند
و در پنجم و ششم تموز کلها سکفته میشوند و در سیزدهم
و چهاردهم تموز محصول برشته میشود و میوه های
و ماگول میشوند و در بیت و چهارم تموز برکها خزان
می کشند و در چهارم و پنجم آب برکها میریزند
برف می آید و تا ده ماه دیگر متصل برف است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خمسه دوازدهم ماه ذی قعدة الحرام مطابق سال اول ۱۲۶۹

روزنامه
یکشنبه
روز چهارم



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک خط چهارمهر
بیشتر با سه مهر

اخبار واحوال مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بمقام این ماه که حسب الامر قدس پادشاهی
امیرالامراء العظام سردار کل عساکر منصوره در دارالخلافه
بود و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سجدت پادشاهی
قشون در راه انداختن آنها سوار شده بمیدان است
بیرون شهر تشریف بردند و در آنجا افواج قاهره
ملاحظه فرمودند از سواره نظام و توپچی و افواج قاهره
همگی در کمال سکوه و آرامگی با اسلحه و اسباب
تمام بنظر آمد پس مایلون رسیدند و قشون از آنجا حرکت
کرده روانه شدند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از
انها بطرف امیرآباد و آن اطراف تشریف برده
و تا عصر در آنجا بتفریح مشغول بودند و نزدیک لغروب
اقاب مبارک مبارکه سلطانی و مقر سلطنت عظمی
راجعت فرمودند

حسب الاشارة العلیه به المیجان دول محتاجه بمقیم دارالخلافه
طهران اعلام کرده بود که آنها نیز سجدت پادشاهی شوق و
حرکت قشون در سلطانیه مقدم کباب نصرت انتخاب
همایون باشند

نظر بطور و فوراً احسم لمرکانه در باره جناب
صدر اعظم انجمن در روز شنبه بمقام این ماه اعلیحضرت
پادشاهی بعبارت جدید که جناب معظّم انجمن
مقرب الخاقان نظام الملک در شهر تازه ساخته
تشریف فرما گردیدند

نظر بحسن خدمات مقرب الخاقان رضوان آقای میر
که از بدایت عسراالی حال در راه خدمات دولت عظمی
بصدرا اتهامات کامله شده و محاسن خدمات
خود را بطور بعد بطور بنحوی که شایسته صداقت و تقوی
عقیدت است در پیشگاه حضور همایون ظاهر و آشکار
ساخته و مراتب خدمات او در نظر انور اعلیحضرت
پادشاهی دامادی دولت علیّه رأید الوصفین
مقبول افتاد این روز ما حسب الاشارة العلیه

جلیل میر خجکی تو پخته مبارک که سرافراز آمد خلعت و فون
مهر طلعت نیز با قضا متعجب انجان را الهی حرمش

هوای دار انجان و نظران که بشدت کرم بود در این روز
اعتدالی بنسب رسانده است و شبها صبح و عصر
بسیار خنک و خوب است و مردمی که سابقا بخت

ناخوشی و گرمای تابستان بیرون شهر و تیرانات
و سایر ییلاقات رفته بودند درین روزها اغلب شهر

مراجعت کرده اند
نظر بحسن خدمات و شایستگی عالیجاه محمد شفیع خان چابهار
در بار همایون و خدمات و از نظم چابهار خانه و کمال صدق
که شهنشاهی مبارک شهنشاهی امپراتور لقب بلقب
بشیرالدوله و فرمان همایون نیز با فقار او شرف صدور
یافته و یک ثوب جبهه ترمه خلعت با و مرحمت شد

امور استقشونی

در یوم شنبه هفتم این ماه امیر الامراء العظام سردار کل
عساکر منصوره با افواجی که در نزدیکی شهر در و دره
بودند و امور بر فتن سلطانیه بودند روانه شدند

فوج جدید مراغه جمعی عالیجاه اسکندر خان سرهنگ که
حسب الامر همایون مامور خرسان شده بودند
و در اینجا خدمات شایسته کرده بودند با وجود این

ایام ناخوشی و با در ارض اقدس هیچوجه در خدمت
خود خلعت نورزیده و ایستادگی کردند در یوم چهارشنبه
وارد دار بخسلافه گردیده در بیرون دروازه بالائی

باغ لاله زار چادر زده اند و حال اینکه تازه از سفر
آمده بودند مکنی در کمال استقامت و سباب و اسلحه نام بودند

افواج متوقف دار بخسلافه که در ایام ناخوشی با
درینجا بودند با وجود بیم ناخوشی با کمال نظم خدمت کردند
در شدت تابستان بجهت گرمی هوا شوق از موقوف
کرده بودند درین روزها که هوا خوب شده است
همه روز مشغول شوق میباشند

سایر ولایات

از راه ایسجان چون نواب مستطاب شاهزاده
حشمت الدوله بامقرب انجان میرزا فضل محمد
وزیر نظام و میرزا محمد قوام الدوله حسب الامر

احضار شده بودند که در چمن سلطانیه بر کباب
فیروزی نیتاب همایون بیایند از قراریکه در روز
نامه نوشته بودند نواب معز می الیه در تبت اندین چمن

سلطانیه هستند و کدخدایان و بعضی از کارگزاران
از بایجان را نیز اخبار کرده اند که در خدمت نواب
معز می الیه بچمن سلطانیه آمده شرفیاب حضور

همایون شوند

از قراریکه نوشته بودند حکام جزو آذربایجان که
برای تفریق حساب به تبریز آمده بودند حساب خود را
مفروق کرده هر یک بمقر حکومت خود رفته اند

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بودند
نواب شاهزاده اسمعیل میرزا مرحوم شده و نواب
مستطاب شاهزاده و اولاد حشمت الدوله حسب

اختیار آذربایجان حکم فرموده اند اعیان و شرف
شیخ جنازه او حاضر شده در کمال اعزاز و احترام
به بقعه جناب سید حمزه علیه الرحمه برده اند

تو بچیان از بیجان که احضار برکاب بیاون شد بودند که درین
 سلطانیه حاضر شوند بتدریج رفته اند و وظایف دیگر که کمی
 مریدی و دیگر خونه و سماسی باقی بوده اند آنها هم در شانزدهم شهر
 سوال روانه گشته اند فوج پنجم ایلات و قراچه داغ ابوالکحیی
 عالیجا هجرت قسبلخان میر خجیبه و فوج ناصریه که احضار برکاب
 بیاون شده بودند که درین سلطانیه حاضر شوند آنها
 هم از قراریکه در روزنامه نوشته شده بود در هجدهم
 شهر سوال روانه شده اند و از راه قراچه داغ خواهند آمد

خومی

از قراریکه در روزنامه خومی نوشته بودند مقرب الخاقان سکنده خان
 سردار حاکم خومی در نظم امور ولایت و تمهید سبب سودگی رعیت
 کمال اهتمام دارد زیرا که سرقت و دزدی و خلاف قاعده
 بطور برسد فی الفور بمقام رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند
 که شخصی از اهل قراچه داغ آمده در کار و کسب اشخاصی از فرد
 اسب خودش را که بسیار مغلوب بوده بجای آن گذاشته فرستاده
 کرده است مزین بمقرب الخاقان مشارالیه معلوم داشته اند
 سارق را پسند کرده آوردند بجز از آنکه اقرار و عذر
 بفرست خود کرد و در بصرای عمل خود رسانید

از قراریکه نوشته بودند عالیجا هجرت قسبلخان که خلعت العظام
 سنی ابجانب علیحضرت پادشاهی با فقار مقرب الخاقان
 اسکندر خان سردار برده بود خلعت را رسانده
 روانه بفرستاده است و مقرب الخاقان مشارالیه
 در استقبال و اعزاز و احترام خلعت بیاون
 لازم است تمام نموده حامل خلعت را در کمال دلجوئی
 روانه داشته است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امر آنکه در
 از هر جهت و هر حیث منظم و مضبوط است و بهر لامه
 العظام مقرب الخاقان محمد حسن خان سردار حکمران برود
 کرمان در نظم انان کمال اهتمام دارد و اگر کسی
 عمل خلافی شود فی الفور بمقام سبب برمی آید از جمله
 نوشته بودند و دفتر سر بازار کرمانی بموقت یک نفر
 مرتکب معصیت و عمل رشتی شده بودند مقرب الخاقان
 مشارالیه بعد از اطلاع بر این معنی شبیه مضبوط العظام

از آن دو نفر سر بازار بعل آورده آن یک نفر شخص
 هم که تقصیرش بیشتر بوده بفرمای عمل خود رسانیده
 ذاذه در کوجه و بازار کرمان رسانیده بودند که بای
 عبرت دیگران شود

و دیگر نوشته بودند چند عراده توپ جهتی تر اندازی
 زدن بیرون شهر برده بودند امیر الامراء العظام سردار
 هم در سرشق و تیر اندازی توپچیان حاضر شده
 ناشامی کرده است چون توپچیان بقانون تیر اندازی
 از روی مهارت و چابکی از عراده تیر اندازی توپ
 برانده بودند بهر یک فراخور حال انعام داده
 مراجعت بشهر کرده بود

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند این
 اوقات ناخوشی و با در آنچه و دهم بروز کرده شد
 و چند نفر از ادمای امیر الامراء العظام سردار
 ناخوشی مبتلا شده تلف شده اند و لکن خود مقرب الخاقان
 مشارالیه صحیح و سالم بوده است

خراسان

استرآباد

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان و ولایات
متعلقه بآن نوشته بودند امر آنی و و از اینها
اولیای دولت علیه کمال الضبطا ط دارد
منازل عرض راه که زوار و قوافل در کمال رفاه و
عبور و مرور می نمایند و فوج حلج ساده ای
عالیجاه جانمخو خان سرهنگ که مرخص شده
می آید در منازل عرض راه موافق قاعده و نظم
حرکت کرده اند و بی حسابی و بی اعتدالی از آنها

بظهور رسیده است و عالیجاه جانمخو خان سرهنگ
و صاحب منصبان فوج مزبور محض شرفیابی
حضور ادبای دولت علیه بر کاب مبارک آمده
شرفیاب شدند و نظر بحسن خدمت و انتظام
آنها در خراسان و عرض راه از جانب اعلیحضرت
پادشاهی و اولیای دولت علیه رحمت کمال
در باره آنها شایسته مورد التفات گردید

دیگر از قراریکه نوشته بودند ناخوشی و بازاری
و بسطام بکلی رفع شده است و ناخوشی ارض قدس
هم تکمیل یافته است و از فضیلت خداوند
با آن بسه شدت ناخوشی در ارض اقدس و
کثرت زوار که درین دو سه ماه خراسان
در حاجت کرده اند چه در ارض اقدس و چه در
عرض راه بسیار کم از آن سابق شده اند و
صحیح رسالتم با سلطان خود عینت کرده اند

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
انحافان محمد و لیجان حاکم استرآباد در انتظام امر
اهتمام کامل دارد و بسبب مراقبت و موافقت
خلافت حسالی از کسی ناشی و صادر نمی شود و از طریق
ترکانه که اغلب اوقات در آنجا هرزگی و سرقت
و تاخت میکردند درین اوقات نوشته اند که کسی
از آنها مصدر سرقت و شرارتی شده باشد

دیگر نوشته بودند که این اوقات ناخوشی و لرزش
و محرقه در آنجا مبروم عارض می شود و لیکن ناخوشی
و با تا سجال بجهت الله بروز کرده بوده است و مردم
تغزبه داری بوده اند اخوند ملا محمد علی مجتهد چند روزی
ناخوش شده و فات یافته است چون مردم
مزبور در قریه زیارت نام بوده است مردم شهر باران
و دکا کهن را بسند و بیانات اجتماع رفته جنازه
اورا با اعزاز و احترام تمام داخل شهر کرده اند

بنابر وصیت خود آن مرحوم نعش او را در مسجد کلشن که
محل نماز و عطا بوده دفن کرده اند و شبانه روز
بنای تغزبه داری در آن مسجد گذاشته اند و در نسیم
مقرب انحافان محمد و لیجان بیکر بسکی استرآباد
مجلس فاسخه خوانی اورفته و سپهران و متعلقان
اورا اولداری داده و الهام مهربانی با آنها نموده و
انها را از عزای بیرون آورده و مجلس فاسخه خوانی
برجیده بوده اند

اخبار دول خارجه

انگلیس در ولایت انگلیس اول بهار مواسم
خوش بود است لیکن چاه روز که از غید لور و رور
بود بود در بعضی جایهای کومستان آن ملک بسیار سرد
شده و برف هم آمده بود با اینکه کسی یاد نیند که در
اول است و فصل فروردین برف آمده باشد و در
شمال آن مملکت در بعضی جایها چنین برف آمده بود
که کالک سنجار با عرایب بارکش توانسته بود تردد نماید
و در یکجائی سه چهار کیلومتر برف افتاده بود
چرخ سنجار در میان برف مانده بود سیاحتان را
از کالک بیرون آمدن و پیاده بدی رفت بود
تا از جای دیگر خبر داشتند چرخ سنجار دیگر فرستاده
که راه را از آنچه آن کالکها که در میان برف مانده بود
کشوده و کالکها را از میان برف بیرون آورده
بودند

امورات هندوستان بر حسب حکم پادشاهان قدیم
انگلیس محول بچند نفر از اهل انگلیس است که آنها را کامپانی
میگویند و لیکن حکم مملکت را فی هندوستان باین اشخاص
ناموعدهی معین داده شده بود درین روزها موعده
اشخاص نزدیک است که تمام شود و دورت که بعد
انقضای مدت آنها دولت انگلیس در امورات هندوستان
تعمیر بدهد از آنجهت در ولایت انگلیس این اوقات گفتگو
زیاد در خصوص امورات هندوستان دارند و کتاب
سیاح و تاریخ و غیره که مناسب بولایت هندوستان
دست به دست زیاد میجویند که خلق خصوصاً اهل هندوستان

اطلاع تمام از قواعد و قانون این ولایت به هم برسانند
که بعد از بحث و گفتگو و مشورت فراری درست در امور
انجا بگذارند و از جمله چیزها که در این نوشته است
این است که اگر چه هندوستان بسیار ولایت حاصل جزایر
و لکن بعضی اوقات فحطی زیاد درین ولایت می شود بلکه
فحطی که در هندوستان می شود بیشتر از آن است که در
ولایات روی زمین گاهی اتفاق می افتد بیست سال پیش
چاه هزار نفر در یک ماه از شهر لکانو و اطراف آن
از کرسنگی تلف شده بودند و در خان پور هزار و دویست
نفر مرده بودند و در آن ایام دولت هندوستان
بهر چهار کرد و حساب ایران پول جمع کرده بود و بجهت
احسان بفقرا که با آنها نان برسد که از کرسنگی تلف شده
در مملکت گشتند و دست و چاه هزار نفر از کرسنگی
بودند و هفتاد و چهار هزار کاد و نود و چاه و نه هزار
ماده کاد و سیصد هزار بزمش تلف شده بود و در
مملکت مرآت چاه هزار کس مرده بودند و در سمت ملک
شکالی غریبی هندوستان حساب کرده اند که در آن ایام
دو کور خلق از کرسنگی تلف شده بودند و از آنکو
مرده را میخورند و زنهای اطفال خود را میخورند و طلبا
و چیزها در آن ایام اتفاق افتاده بود که بعقل درنیاید
و درین ماه حساب کرده بودند که شش کور خلق از
کرسنگی تلف شده بودند و بدیوان بیشتر از این
کرد حساب پول ایران ضرر رسیده بود اگر چه علاج
این بیهوده بسیار مشکل است و لکن ساختن راههای
و هزاره بجهت تردد کشتیها که حمل و نقل فله و آذوقه با سائ

۸۲۹

بشد بسیار فایده در چنین اوقات قحطی سببه خلق خواستند
 پادشاهان سابقند وستان بسیار بخرند سببه زراعت
 زمین می ساختند و یکی این پادشاهان که سلطان
 نام داشت پنجاه بند در رودخانه های بزرگ ساخته است
 سببه بالا کردن آب از برای زراعت زمین و چهل مسجد
 دسی باب سد و صد بارخانه و صد حمام و صد و پنجاه
 بل ساخته بود و اکثر اینها تا بحال مانده است دسی دریاچه
 سببه جمع کردن آب از برای زراعت ساخته است اگر چه
 بعد از آنکه هند وستان بدست انگلیسها افتاد این خیرات
 تعمیر کرده اند و بسکن مانند پادشاهان سابقند و
 از نیکوترین کارهای بزرگ عهد گذشته اند که خیرات خلیج
 این گفتگو با این مشورستانه خوانین دولت این
 روزنامه اگر شده است

۸۳۰

طایفه که بودند نمی گذاشتند که با اولایت داخل بشوند
 و بسیار کم اتفاق می افتاد که ایلیچی یا کسی سبب توتیت
 میان اولایت را میسند حال که امداد از دول خارج
 خواسته اند معلوم میشود که دولت چین در کار باغبان
 اولایت در مانده است و دلیل شده یعنی تواند رفع

آنها را بکند

فرانس

در روزنامه دولتی شهر پاریس که تا پیشتر غیاب
 چند از جانب دیوان نوشته اند از جمله یکی اینکه بر
 حسب قانونی که داشتند وزارت تجارت و زراعت
 و مهمام تعمیرات عمارات و معادن دولتی بیک نفر مقرر
 شده است بخلاف این ایام آخر که قانون قدیم را بر
 زده بودند و این معلوما همه الواب جمع وزیر داخله اولایت
 شده و از جانب او هر یک بدست یک نفر بود حال
 سببه این کار با یک وزیر علاحد یعنی کرده اند

در یکی از روزنامه های فرانسه در خصوص مملکت چین
 با اینطور نوشته اند که تا بحال اهل چین چنین میگفتند
 که هر کس که از اهل خارج بود اعتنائی نداشتند و
 آدم حساب میکردند و نسبت با آنها خوش سلوکی
 نمی نمودند حال سببه افتشاش مملکت خودشان
 از دول خارج خواسته اند و محتاج باستعانت
 دول خارج شده اند و با بحال کوچکی و فروتنی و
 کا عهد بدول خارج نوشته اند امداد خواسته اند
 نیست که این گذارشش ثمر خوب سببه کل اهل روی زمین
 سببه اینکه مملکت چین مانند سایر ولایات روی زمین
 مفتوح میشود سببه عموم تجارت و سیاحت و غیره از هر ولایت
 که بنویسد با تجارت برود و تا بحال اهل دول خارج از هر

در مملکت فرانسه قاعده لاتاری داشتند که دیوان
 این لاتاری را بر ابراه می انداختند و حق معیشتی سببه
 برقرار کرده بودند چونکه این کار قسمی از قمار بازی است
 و قمار بازی کاری است که در هر دولت منع است
 لهذا این لاتاریها را از جانب دیوان درین روزها
 موقوف کردند

لاتاری که ولایت که سابقا از جانب دولت فرانسه
 سفیر کبیر مقیم اسلامبول بود بعد از مرگ حجتش پاشا
 فرانسه حسب حکم امپراطور فرانسه درین اوقات
 داخل خوانین مشورستانه شده است

احوال متصرفه

فرانس بیاید

در فرنگستان از جمله پوستهای گرانها و مرغوب که کلچر و کلاه اعلی از او میان پوست سکا آبی است و کشتها بجهت شکار سکا آبی بکنار دریا های سمت شمال دنیا میروند و گرفتن سکا آبی و بعل آوردن پوست آن از جمله تجارت عمده آن ولایات است و در روزنامه فرانسه نوشته اند که خبر از سمت کناره دریا های سیکی و سیالی آمده بود و نوشته بودند که امسال این سکا آبی بسیار در آنجا شکار کرده بودند و تا آنوقت دولت و پنجاه پوست سکا آبی بکشینها حمل کرده و فرستاده بودند در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در راه آمین در یکی دنیای شمالی کالکهای سنجاریکد بخر خورده بودند یک چرخ سنجار که مکاتب و چاپارد و لقی در او بود و بهر طلی مسافت سیکرد و پهلوی کالکهای دیگر که ستیا جان در آنها نشسته بودند خورده سه کالک را خورد کرده بودند و مردم زیاد در زیر این کالکها مانده بعضی زخدار شده بودند اما کسی تلف نشده بود

سجارد و دولتمندان شهر لندن پای تخت انگلیس بنا دارند در سه تازه بسیارند بجهت اطفالی که شغل تجارت با کشتیا اختیار می کنند و چونکه راه بردن کشتی علم نجوم و معرفت کوکب را لازم دارد و باید کشتی بان درین علوم ماہر باشد لهذا ساقین این رسم در شهر لندن بسیار لزوم دارد

روزنامه که در مملکت استرالیایا چاپ میزند نوشته اند که بقدری نفوسش میروند و شتری او زیاد شده است که چاپ خانه که در آنجا دارند روزی ده هزار نسخه در او چاپ زده می شود کفایت نمی کند و فرستاده اند آن چاپ دیگر که بچرخ سنجار حرکت می کند بیاد دارند و بیشتر تا روزنامه که طالب شده و توجو پیش میدهند اعلام کرده اند که تا قبل نمایند تا اسباب مزبور برسد بیشتر بهای قدیم روزنامه بهمان قرار سابق که داشتند روزنامه میدادند و سالی چهار تومان و نیم پول اورامی گرفته اند اما از شتر بهای تازه سالی نه تومان که نسیکند

از اولاد روم بونه پارت برادر امپراطور ناپلیان اول در مملکت یکی دنیای شمالی هستند و یکی از آنها صاحب منصب قنون دان مملکت است درین اوقات که لوی ناپلیان پارت فرانس سب از اولاد روم بونه پارت که اولاد عمومی او میباشد خواستش کرده است که بفرانسسه آمده او را بدین نمایند و آنکه صاحب منصب قنون یکی دنیای شمالی است از آن دولت مرخص است که بیدین لوی ناپلیان پارت

یک پارچه طلای بزرگ این روزنامه ایمن استرالیایا در آورده اند که صد و سی و چهار پوند و نیم که پست من بوزن ایران می شود وزن داشته است و نوشته اند که مردم از اطراف روی زمین از بهر ظایف روز بروز در آنجا جمعیت سیکردند خصوصا از اهل انگلیس اما بیرون از آنجا بجهت و طالع هر کسی بود بعضی اشخاص در یک پارچه های بزرگ متعدد پیدا می کردند و بعضی هم بعد

مخارج خود در می آورند و بایوسس شده دست
 از کار می کشیدند اما ازین تمسبل اشخاص که گذران
 خود را در می آورند بسیار کم بودند و اغلب مردم
 در آنجا طلا خوب در می آوردند و منفعت خوب میکردند
 اجناس از قبیل آذوقه و ملبوس بسیار گران بود
 و از آنجا نوشته اند اگر کسی از ولایت انگلیس یا جای
 دیگر با آنجا برود و بوستان بطن می آورد و سبزی کار
 بکند منفعت زیاد خواهد کرد زیرا که یک کلمه در آنجا
 دینار بفرش میبرد و دو یک جوچ پنج شاهی بسیار
 ما کولاست از قبیل سبزی آلات بهین نسبت گران
 بود دیوان بنا دارد که از هر کس که با آنجا می آید
 دینار توجیه بگیرد و حال هم کسی که بخواد نزدیک
 بشود آنجا چادر بزند از برای مقام چادر او در دیوان
 میگیرند این گونه توجیهات باعث بخش و کلمه بندی
 خلق بود و بسبب از توجیهی که از طلای معادن آنجا
 کسی که طلا در می آورد بقرامین می گرفتند رضایت
 داشتند بجهت این که دیوان سوار دستخط میکردند
 که مانع وزری و بی حسابی در میان این اشخاص نشود
 و نوشته اند که در یک سال ازین ولایت شتاده
 کرد و طلا بیرون فرستاده اند جمعیت ستر ایلیا بیشتر
 از مقصد هزار کس نیست و ازین جمعیت دیوانیان دو
 کرد و ایالت گرفته بودند و گمان داشتند که در سال
 بسبب یک جمعیت در آنجا بیشتر خواهد شد ایالت
 بیشتر عاید دیوان بشود
 خبر آخر که از برآمدن بوستان آمد نوشته بودند که

اولا بن تکلیف دولت انگلیس قبول کرده بودند که
 بودند که یک وجب زمین از خاک برآمده دولت انگلیس
 سخاوتیم داده و دوباره تدارک جنگ میدیدند و قشون
 انگلیس باز از هندوستان مامور شده با نولانیست
 و اهل انگلیس بسیار تعجب میکردند که سردار انگلیس با جنگ
 بیست هزار قشون در آنجا دارد و دوباره باز قشون
 دور یک جانی از مملکت برآمده که چند نفر از اهل
 انگلیس بودند اهل اول ولایت آنها را کشته اند و در جانی
 دیگر نیز بعد از آنکه قشون انگلیس تصرف کرده بودند حاکم
 و صاحب از اهل همان ولایت از جانب دولت انگلیس
 معین شده بود قشون برآمده که با آنجا آمده اند از آن
 حکام و صنیاط را بهم کشته اند

اعلامات

کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در دارالطباعة
 حاجی عبدالمحمد باسچی در محله نزدیک دروازه اول
 انطباع شده از بنفرد فرستاده میشود

شاهنامه	چهار تومان و نیم	۴۰
قاموس	دو تومان	۲۰
صحیح الجرجین	سه تومان	۳۰
معراج القاعده	پانزده هزار	۱۵۰۰
زبدة المعارف	دو تومان و پنجاه	۲۰۰
ستخره الراثر	یک تومان	۱۰۰
تاریخ بطرکبه	دو تومان	۲۰۰
جامع التمثیل	پنجاه	۵۰
سیوطی	پنجاه	۵۰